



پانزدهم

یکشنبه های

۲۷

الگوهای

الگوهای فعالین میدانی
در موضوع محرم و اربعین

جناب آقای محمّد
استرحام

الگوی: موبک مادر و کودک (از شیراز)



سرکار خانم لیلا
زعفرانی

الگوی: پویش ۱۴۳۱۲ (از دماوند)



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پویش ۳۱۲+۱ و موکب مادر و کودک

زمانی که کار جمعیت را شروع کردم استارت همه برنامه‌ها با پیوست جمعیتی برای من نهادینه شد و سعی کردم در برنامه‌های اربعین که حضور پیدا می‌کنم کنار برنامه‌هایی که خدمت می‌کنیم، من به عنوان پرستار در بیمارستان احسان بنیاد احسان ستاد اجرایی فرمان امام (ره) در عمود ۹۸۹ کار کنم، با هماهنگی‌ای که با جناب آقای ساکی، دبیر مجمع جمعیت انجام دادیم، قرار شد که فعالیت‌های جمعیتی را هم پیوست برنامه‌های خودمان کنیم. سال اول یک مقدار برنامه‌ها جا نیفتاده بود و ما فقط ارائه خدمت به مادر و کودک را داشتیم، همچنین ارائه خدمات به کودکانی که بیمار می‌شدند و سعی می‌کردیم که دقت خیلی بیشتری رویشان داشته باشیم اما کم کم پویش‌هایی را اجرا کردیم که دو تا از پویش‌ها خیلی ماندگار شد و خیلی حال خود ما را در اربعین خوب کرد. یکی از پویش‌هایی که در اربعین انجام دادیم پویش ۳۱۲+۱ بود، یاران آقا امام زمان (عج)، مادرانی که در برنامه اربعین شرکت می‌کردند و به نوعی نابارور بودند در پویش ما شرکت می‌کردند و یک جوراب از ما هدیه می‌گرفتند و آن‌جا با آقا امام زمان (عج) پیمان می‌بستند که برای درمان ناباروری‌شان، حال ناباروری اولیه یا ثانویه، ان شاء

الله برگردند و درمانشان را پیگیری کنند و یک یار به یارهای آقا امام زمان (عج) اضافه کنند. پیوست خیلی خوبی داشت، چون بعد از آن شماره تلفن هم بین ما و کسانی که در پویشمان شرکت می‌کردند رد و بدل می‌شد، چندین نفر بودند که باردار شده بودند و حتی یکی دو از مادرها می‌گفتند اسم بچه‌مان را مهدی گذاشتیم و این نیت را داریم که در سال‌های بعد با بچه‌هایمان در پیاده روی اربعین شرکت کنیم.

پویش ۳۱۲+۱ را علاوه بر اربعین در جاماندگان اربعین در ایران، برنامه‌های روز عاشورا، برنامه‌های روز زن و هر برنامه‌ای که به مناسبتی در شرق استان تهران داشتیم، انجام می‌دادیم.

یک برنامه دیگر که اجرا کردیم و فکر می‌کنم برنامه خیلی خوبی بود؛ آمار مادران بارداری که در شرق استان تهران حضور داشتند و در ایام اربعین به دلیل بارداری امکان حضور در کربلا و پیاده روی اربعین را نداشتند، را از سامانه سیب، شبکه‌های بهداشتی درمانی می‌گرفتیم، نام و نام خانوادگی مادر، ماه بارداری و شماره تماسشان را می‌گرفتیم و بعد به نیت همه این مادران باردار کوله نوشته تهیه می‌کردیم، در مسیر مشایه به زوج‌های جوان آموزش بارداری به هنگام می‌دادیم و به آن‌ها می‌گفتیم شما ازدواج کردید و گلدن تایم برای بارداری همان سال‌های اول است که ان شاء الله طعم و لذت مادر بودن را بچشید و بعد از آن‌ها اجازه می‌گرفتیم و این کوله نوشته‌ها را روی کوله پشتی‌های زوجین

جوان نصب می‌کردیم. این انعکاس خوبی داشت به این دلیل که خیلی از زوجین با شماره تماس‌های ایران آن مادر باردار تماس می‌گرفتند و یا پیام می‌دادند که الان در هشایه در فلان قسمت به نیت شما در حال پیاده روی هستیم یا در بین الحرمین هستیم و نیت کنید. انعکاس خیلی خوبی برای مادران باردار داشت، خیلی از مادران باردار تماس می‌گرفتند و از ما به خاطر این برنامه تشکر می‌کردند و این هم جزء برنامه‌های خوبی برای مادرانی که امکان حضور در اربعین را نداشتند بود که به نوعی در کنار ما در پیاده روی حضور داشته باشند.

فکر می‌کنم برنامه‌های این مدلی در بحث جوانی جمعیت مخصوصاً در مورد زوجین جوان می‌تواند تاثیر مثبتی داشته باشد و ان شاء الله که یاران آقا امام زمان (عج) از بین همین گروه و همین بچه‌ها باشند، بچه‌هایی که تلاش می‌کنیم حتی به اندازه یک کد ملی بتوانیم ان شاء الله به کشورمان اضافه کنیم و از آبر بحران جمعیت پیشگیری کنیم، به فرموده مقام معظم رهبری که می‌گویند تن انسان می‌لزد، ان شاء الله که هیچ وقت رهبر ما از این مسئله ناراحت نباشند و اصلاً دیگر این صحبت را بیان نکنند و ما بتوانیم خدمتی به مملکتمان کرده باشیم. من در خدمت شما هستم.

سوالی که پیش می‌آید این است، آیا الان سرکار خانم زعفرانی به تنهایی و منفرداً این کار را انجام می‌دهند یا گروهی هستند که جمع می‌شوند و کار می‌کنند؟

جناب آقای عباسی ما از زمان راه اندازی جبهه حدوداً ۲۰۰ نفر کنشگر در شرق استان تهران داریم که دوره آموزش اولیه و دوره آموزشی مقدماتی و تکمیلی را دیدند. خیلی از کنشگران ما کنشگرانی هستند که به صورت ثابت در بحث اربعین با ما همکاری داشتند، کنار بحث کوله پشتی بسته‌های خدمتی را داشتیم که ۷۰ بسته برای کودکان کوچکی که در اربعین بودند تهیه می‌شد، هم کودکان عراقی هم کودکان ایرانی. آموزش داشتیم، بروشور تهیه می‌شد، همه این موارد توسط کنشگران انجام می‌شد. من خدمتگزاری بیش نیستم و کنشگران ما کنارمان بودند. مجمع ملی جمعیت، حاج آقا ساکی و همکارانشان هم بودند، فکر می‌کنم دو سال پیش بود، خیری یک کاهيون مای بیبی تهیه کردند، در تمام موبک‌های مادر و کودک مطرح شده بود که از مرز مهران که جناب آقای سرهامی از شیراز کار کرده بودند، همه موبک‌های مادر و کودک ارائه خدمات داشتند. ما هم در عمود ۹۸۲ به اندازه خودمان کاری که از دستمان برمی‌آمد را انجام می‌دادیم.

مجموعه نفس را هم داشتیم، نجات فرزندان سقط، روی بحث سقط جنین هم کار می‌کردیم، آن‌ها هم کنشگرانی بودند که در عرصه پیشگیری از سقط جنین در برنامه‌های اربعین و خصوصاً برنامه‌های محرم و مناسبتی با ما همکاری می‌کردند.

سوالی پیش می‌آید و آن هم این که منِ فعالی فرهنگی می‌گویم باید هزینه‌ها را از کجا تامین کنم؟ چقدر از ظرفیت دستگاه‌های حاکمته بهره بردید؟ چقدر از هزینه‌ها از نذورات و کمک‌های مردمی

تامین شده؟ مدل‌های به کار گیری ظرفیت‌ها را هم بر ایمان بگویید که من فعال فرهنگی هم بتوانم از تجربه شما بهره ببرم و استفاده کنم.

در ابتدای برنامه همایشی در یزد به نام مسیر نجات تشکیل شد. در آن مسیر که هم حاکمیتی‌ها و هم مردمی‌ها بودند، استانداری‌ها، مدیر کل امور بانوان استانداری حضور داشتند و مردمی‌هایی که در بحث جمعیت و خانواده کار می‌کردند بودند، آن جا بوم نویسی را یاد گرفتیم، بحث بوم نویسی جمعیت، یک موقعی می‌بینید مشکل جمعیت ما در بحث تک فرزندی و آسیب‌های ناباروی و قطعیت تجرد و سقط جنین در بوم‌های مختلف متفاوت است، ما با بوم نویسی هیأتی را با عنوان هیأت اندیشه ورز جمعیت در شرق استان تهران راه اندازی کردیم، این هیأت مجموعه‌ای از بسیج جامعه زنان، جبهه فرهنگی، شبکه بهداشت و درمان، هلال احمر، کمیته امداد و فرمانداری و مجموعه‌های دوستدار مادر و کودک و کنشگرانی که در این بحث کار می‌کنند بود، یعنی هم دولتی‌ها و هم حاکمیتی‌ها بودند. اما در بحث اربعین بیشتر فعالیت‌ها فعالیت‌های مردمی بود، نذورات و کمک‌هایی که مادران و کودکان می‌کردند را داشتیم. در بحث پویش ۳۱۲+۱ اصلاً هزینه ما از طریق همان مادرانی که بود که خودشان نیت کرده بودند و مثلاً در سال گذشته در پویش ما شرکت کرده بودند و سال بعد مادران هزینه پویش ما را پرداخت می‌کنند. بیشتر هزینه‌های ما مردمی است،

البته انصافاً حاکمیتی‌ها کنار ما کار کردند ولی بیشتر هزینه‌ها تامین مردمی دارد.

خیلی هم خوب، خدا قوت. سال چندم است که این پویش یا مابقی اقدامات و فعالیت‌ها را انجام می‌دهید؟

+ ان شاء الله اگر امسال هم از طرف آقا اباعبدالله (ع) برای من دعوت‌نامه صادر شود، سال چهارم است که فعالیت جمعیتی می‌کنیم اما سومین سالی است که می‌خواهیم پویش را انجام بدهیم.

برای سال سوم خودتان می‌خواهید درگیر اتفاق باشید یا برنامه ریزی جدی کردید که این مدل و الگو را به دیگر بزرگواران و گروه‌ها و کنشگران هم آموزش دهند و آن‌ها را هم دعوت کنند که بیایند و کنشگری کنند؟

ما ۲۰ نفر در شهرستان دماوند و پردیس و یک تعدادی هم در فیروزکوه داریم که این کنش‌ها را با خلاقیت خاص خودشان انجام می‌دهند، یعنی ممکن است من نذر جوراب را داشته باشم، پویش کوله پشتی را داشته باشم، مثلاً یکی از گروه‌های تسسهیلگری و کنشگری ما نذر کالسکه داشتند، برای مادرانی که می‌خواستند برای اربعین بروند و بچه کوچک داشتند اما شرایط تهیه کالسکه را نداشتند، این مادرها از مادران دیگر درخواست می‌کردند و در کنار اسباب بازی و لباس‌های در حد نو بود و نمی‌خواستند، برای

مادرانی که نیازشان بود و می‌توانستند تامین کنند کالکسه را هم گرفتند، مثلاً سال گذشته یکی از گروه‌های مردمی ما پنج کالسکه برای بحث اربعین اهدا کرد. این که بگویید فقط جبهه فرهنگی ما باشد نه، فکر می‌کنم همه استان‌ها تعداد کنشگرانشان را افزایش می‌دهند و روز به روز کنشگران هستند که برنامه‌ها و فعالیت‌ها را انجام می‌دهند.

مثلاً امسال با موکب کناری‌مان و عمود کناری‌مان که آشپزخانه داشتند صحبت کردیم که بحث غذای کودکان را داشته باشند چون در سفر اربعین اکثر غذاها ادویه بالا دارد و چرب است و سرخ کردنی است و ما با آشپزخانه‌هایشان هماهنگ می‌کردیم که حداقل یک وعده غذا حداقل سوپ برای بچه‌های زیر پنج سال داشته باشند یا غذاهای نرم مثل سیب زمین آپیز داشته باشند که به مادرها ارائه دهند. یا در بحث سرویس‌های بهداشتی و حمام، چون در یک ساعاتی خیلی مشکل هست، برای کسانی که بچه کوچک داشتند تمهیداتی داشتند، آموزشش را دیده بودند که برای مادرانی شرایطی را ایجاد کنند که زودتر بتوانند از سرویس بهداشتی و حمام یا حتی از محل استراحت و اسکان استفاده کنند. این بحث فقط قائم به فرد نیست و همه کنشگرانی که در بحث جمعیت و خانواده کار می‌کنند درگیر این برنامه هستند و ان شاء الله که بتوانند رسالتشان را به خوبی انجام دهند.

ان شاء الله، آیا در طول سال هم برای شبکه‌ای که در ایام اربعین دور

هم جمع کردید برنامه دارید؟ در طول سال هم با همدیگر ارتباط دارند و برنامه اجرا می‌کنند؟

بله خدمتتان گفتم ما هیأت اندیشه ورز داریم، جلسات هیأت اندیشه ورز به صورت ماهانه برگزار می‌شود، در همه مناسبت‌ها، مثلا در عید غدیر در کنار همه برنامه‌هایی که فرهنگی و اداره تبلیغات اسلامی انجام می‌داد ریاست اداره تبلیغات ما برایمان غرفه‌هایی به نام غرفه‌های جمعیت در نظر می‌گرفت یا بنیاد ۱۵ خرداد ما را در بحث هزینه‌ها همراهی می‌کرد، در بحث ۲۲ بهمن، راهپیمایی روز قدس، در بحث غزه، در تمام برنامه‌ها، هر جا که برنامه فرهنگی اجرا شد پیوست جمعیتی در برنامه‌های فرهنگی‌مان بوده و هست.

به عنوان سوال آخر عرض می‌کنم و بعد می‌خواهم یکی از خاطرات نابتان را در مواجهه با مادران بگویید، برای امسال برنامه‌تان چیست؟ کدام یک از این پویش‌ها و اقدامات ارجحیت دارد و تمرکز بیشتر از شما گرفته است؟

من فکر می‌کنم سال گذشته مشکلی که خیلی زیاد در بحث کودکان در اربعین دیدیم، مادران و پدرانی بودند که مراجعه می‌کردند و متاسفانه آموزش لازم در بحث مراقبت از بچه‌ها را نداشتیم. مثلا فلاسک آب جوش روی بچه برگشته بود؛ سوختگی در بچه‌هایی که به بیمارستان ما مراجعه می‌کردند، خیلی دیده می‌شد. یا مواردی

که با آموزش خیلی کوچک حل می‌شد، مثلاً با یک بروشور ساده، یا موشن‌گرافی یا پیاهکی که می‌شد به زائرین اربعین داد، در فضای روبیکا یا فضای مجازی دیگر. صحبتی که در قرارگاه جوانی جمعیت با حاج آقا ساکی، حاج آقا منفرد و جناب آقای مهدی‌زاده شد، که من به آن‌ها خسته نباشید عرض می‌کنم که ما را حمایت می‌کنند و کنار ما هستند این بود که ما امسال بتوانیم محتوای آموزشی بیشتری برای مادران داشته باشیم. فکر می‌کنم یکی از برنامه‌هایی که قرار هست امسال انجام دهیم و خودم قرار هست با همکاری آستان قدس و مشاوران و روانشناسان داشته باشیم، این هست که کنار برنامه‌های بهداشتی و درمانی، بحث آموزش زوجین را در موضوعات بارداری به هنگام، و مجرد دختران و ازدواج به هنگام صحبت کنیم. معرفی مجموعه نفس و سقط جنین، با همکاری بسیج جامعه پزشکی کشور و بسیج جامعه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، هم جزو اولویت‌هایی است که امسال در اربعین می‌خواهیم درباره آن کار کنیم.

برای حسن ختام، لطفاً از خاطرات خود بگویید.

متنی خدمت شما می‌خوانم:

«اربعین که راه می‌افتد، فوج فوج جامانده‌ها، دل‌های بی‌قرارشان را امانت می‌سپارند، به دست خوش‌اقبال‌هایی که عرض ارادت در پیاده‌روی به ناهشان قرعه افتاده. تا به لطف واسطه‌های خوش‌روزی آن‌ها، از راه دور زائر شوند. اینطور است که حالا دیگر

زیارت نیابتی بهانه دلخوشی جماعت حسرت به دل هاست. پویش ۳۱۲ به اضافه یک هم به نیت سربازانی است که در عمق جان مادران حسرت کشیده، پرورش می‌یابند تا سربازی باشند برای نسل ظهور. مادران پیمان می‌بندند سربازانی را پرورش دهند تا در رکاب مولایمان باشند. انشالله که لحظه لحظه همه ما معطر به عطر امام حسین باشد و همه با هم عهد می‌بندیم فرزندان را تربیت کنیم برای همقدم شدن با امام زمانمان.»

متشکر خانم زعفرانی.

در بخش دوم و برای ارائه الگوی دوم در خدمت آقای استرحام هستیم .

جناب آقای عباسی عزیز، اول خداقوت می‌گویم به شما که از زیر زحمت خیلی سنگینی به نام جشنواره جم‌آران بیرون آمدید، زیارت قبول هم می‌گویم. انشالله خدا همیشه توفیق دهد که بتوانید در راه اسلام و مسلمین قدم بردارید.

در خدمتیم. سوال اولیه‌ام این است که دغدغه و ایده و الگوی شما از کجا شروع شد؟

سال ۹۵ بود، از ستاد خاتم تهران به شیراز آمدند و گفتند برای اربعین برنامه محوری دارید یا خیر؟ آن زمان من در ستاد خاتم در مجمع خانواده بودم. ایده‌ای را به نام «موکب مادر و کودک» مطرح کردیم. ایده را ارائه دادیم و پروبال پیدا کرد و اتفاقات خوبی

افتاد. دوستان تهران هم ایده را پسندیدند. ولی چون تامین بودجه خیلی جدی می‌خواست، خاتم نتوانست از پس آن بربیاید و کار جلو نرفت. این ایده تا دو سال پیش ماند. دو سال پیش بنده در شهرداری شیراز مسئولیتی داشتم. شهرداری شیراز تصمیم گرفتند موکبی را در مسیر نجف تا کربلا راه‌اندازی کنند. برای شهرداری هم خیلی موضوعات مالی مطرح نبود. پشتیبانی کردند. ما هم گفتیم ایده محوری ما می‌تواند موکب مادر و کودک، موکبی با ۱۸ غرفه، باشد. چندین سال از ایده گذشته بود، برای همین ایده را پخته‌تر کردیم. شهرداری پشتیبانی مالی کرد و ما هم پشتیبانی محتوایی و نیروی انسانی کردیم. از غرفه پارک بادی تا غرفه عکاسی و نمایش فیلم، غرفه نقاشی، غرفه نقاشی روی صورت، غرفه خیاطی، غرفه شستشو، استراحتگاه والدین، ماساژ ویژه بانوان، تعویض پوشک، غرفه مرتبط با پوشک و شیرخشک، غرفه پزشک اطفال و طب سنتی، ارائه محصولات فرهنگی، تعمیر کالسکه، پرده‌خوانی، و مشاوره داشتیم. این مجموعه‌ای از غرفه‌هایی بود که کنار هم داشتیم. الحمدلله جای خیلی مناسبی هم از لحاظ ساختاری گیرمان آمد. فقط یک ایراد داشت، آن هم نزدیک بودن به حیدریه بود که من باب اینکه دوستان در کارهایی که انجام می‌دهند، مستحضر باشند، عرض می‌کنم. این ۱۸، ۱۹ غرفه را راه‌اندازی کردیم. افرادی که می‌آمدند، چون بار اول هم بود، از دیدن پارک بادی بزرگ و این‌ها تعجب می‌کردند. از شبکه افق هم آمدند و مستقر شدند. خیلی جذاب بود و اتفاقات خاصی می‌افتاد. بچه‌های شهرداری در

کنار این‌ها آشپزی هم داشتند. و اتفاق خیلی خوبی شکل گرفت. این برای دو سال پیش بود که انجام شد. ایراد چه بود؟ جایی که بود همانطور که گفتم از لحاظ ساختاری جای خیلی خوبی بود، فقط از لحاظ مکانی نزدیک شهرک حیدریه بود که شهرکی بین نجف و کربلاست. ایراد اینجا بود که بچه‌های عراقی که در حیدریه زندگی می‌کردند، مشتری جدی ما بودند، و خیلی بازیگوش بودند. از ساعت شش صبح در موکب ما می‌آمدند و تا ساعت دو نصف شب در غرفه‌ها می‌چرخیدند، تا وقتی که راننده‌هایی که همراه ما آمده بودند، این‌ها را با چوب از موکب بیرون می‌کردند، چون خودشان بیرون نمی‌رفتند. تقریباً ۶۰ تا ۷۰ درصد از مشتری‌های آن سال ما بچه‌های عراقی بودند و بقیه بچه‌های ایرانی که در مسیر رد می‌شدند و غرفه‌ها را می‌دیدند. تعدادی از بچه‌های ایرانی وقتی می‌آمدند و می‌دیدند بچه‌های عراقی زیاد هستند و خیلی شیطنت می‌کنند، پشیمان می‌شدند و می‌رفتند. نکته دیگر آن بود که موکب تقریباً ۲۰ تا ۳۰ متر از طریق عقب‌تر بود.

سال گذشته در عمود ۱۰۸۶ و لب جاده بودیم. مجموعه دیگری که سال اول کار ما را دیده بود، پشتیبانی کرد. و دوباره همان برنامه را پیاده کردیم. بسیار اتفاق جذابی رخ داد، و آن اینکه ۹۰ درصد مخاطب جدیدمان بچه‌های ایرانی بودند، و بچه‌ها توانستند خیلی خوب کار را جلو ببرند. فضا سازی هم خیلی حرفه‌ای‌تر شد؛ کف کل موکب را چمن مصنوعی زده بودیم و این کار برای بچه‌ها خیلی جذابیت داشت و احساس خوبی داشتند.

غرفه را با چمن مصنوعی و آب پاش و مه پاش بالای آن ها فضا سازی کردیم.

یک اتفاق خوب دیگر که پارسال افتاد این بود که بخاطر فضای خوب غرفه، برای نماز جماعت پانصد الی ششصد نفر می آمدند و بعد نماز پذیرایی می شدند. پذیرایی ما هم چون آب دوغ خیار پر محتوایی بود و خنک بود، مردم به این واسطه می نشستند و ما هم چهل الی پنجاه دقیقه منبر می رفتیم. مردم هم خیلی استقبال می کردند. این ها اتفاقاتی بود که تا پارسال رقم خورد. تجربیات خودمان در حوزه کودک را می گویم که دوستان استفاده کنند:

اگر قصد بردن پوشک دارید، حتما لب مرز باید هماهنگ شود چون جزو لیستی نیست که وزارت صحت به عراق ارائه می دهد. به همین خاطر یا باید با نهادها هماهنگ کنید یا در بین سایر وسایل بگذارید و ببرید.

پوشک شماره ی صفر اصلا نبرید و پوشک شماره ی یک را حداقل ترین تعداد ممکن برید مثلا در حد یکی دو بسته و به ترتیب با افزایش سایز، تعداد بسته ی بیشتری ببرید مثلا شماره ی دو: هشت بسته، شماره ی سه: بیست بسته و شماره ی چهار به بعد: چهل بسته.

دارو مشکلی ندارد و لب مرز ایرادی نمی گیرند. داروهای سرماخوردگی،

اسهال استفراغ و داروهای سنتی ببرید. داروهای سنتی را هم چون خیلی استقبال می شود کیلویی ببرید. مثلا جوشانده برای سرماخوردگی، تب، اسهال و...

پارک بادی را اگر توانایی بردن داشته باشید، بسیار جذاب خواهد بود. ما به نیت حضرت رقیه سلام الله علیها برای شادی بچه ها بردیم و فضای محرمی هم به آن دادیم که بخاطر شادی بچه ها موضوعی پیش نیاید. استقبال از پارک بادی بعد از مدت های طولانی راه آمدن بچه ها، خیلی زیاد هست.

غرفه ی لباسشویی هم خیلی مورد استقبال هست. حتما یک نفر باید هاشین لباسشویی را مدیریت کند. چون ممکن هست برخی افراد بخواهند لباس های نجس را با دست بشویند، حتما تایید ببرید که به ایشان بدهید.

برای غرفه ی خیاطی هم حتما چرخ دستی ببرید چون ممکن هست به برق دسترسی نداشته باشید. به دلیل اینکه مردم نمی توانند درست با چرخ کار کنند، حتما باید یک نفر یکسره پشت چرخ بنشیند و مسؤل آن باشد.

در مورد نقاشی هم رنگ آمیزی خیلی جذابیت دارد. امسال هم مخصوصا با موضوع قدس و فلسطین خیلی موثر خواهد بود. درمورد غرفه ی بازی و اسباب بازی، بچه های عراقی حتی نوجوان هایشان به خانه سازی و لگو علاقه دارند. حتما این سطل های بزرگ خانه سازی را بخرید و ببرید. از جمله بازی های جذاب دیگر، فوتبال دستی هست. حتما یا فوتبال دستی با کیفیت ببرید، چون

امکان شکستن دارد یا فوتبال دستی سایز بزرگ ببرید. ما سال اول سایر اسباب بازی ها را هم بردیم ولی خیلی استقبال نشد. در غرفه ی مجازی و نمایش فیلم، عینک های واقعیت مجازی بردیم که خیلی گران نیست ولی باید تعدادی موبایل داشته باشید که جلوی عینک نصب شود و فیلم های صحنه ی عاشورا را نشان می دهد. مردم هم استقبال و هم واکنش خوبی دارند. یعنی صف بسته می شود، برای مثال به اندازه ی بیست نفر، سی نفر، صف می بندند.

این را بعنوان تجربه عرض می کنم خدمتتان، پارسال ما یک کار جالبی کردیم؛ آمدیم و یک تلفن عمومی ای ساختیم، شبیه تلفن عمومی ها یک باجه ی زرد رنگی ساختیم، و در این باجه یک موبایلی را مستقر کردیم که موبایل اینترنتی بود و دوستان با مخابرات قراردادی بسته بودند و با فیلترشکن می شد یک ارتباط اینترنتی رایگانی در ایران برقرار کرد.

بعد آمدیم بالای غرفه نوشته ای زدیم با عنوان: «رایگان به مادرت زنگ بزن!» مردم با اینکه موبایل در جیبشان بود، اما احساس خوبی داشتند و می آمدند، در صف می ایستادند و همه دوست داشتند به مادرهایشان زنگ بزنند. یعنی گفته بودیم اینجا فقط به مادرت می توانی زنگ بزنی و پنج دقیقه صحبت بکنی. برای مثال شخص می ایستاد در صف تا با مادرش پنج دقیقه صحبت بکند! خیلی جذاب بود و خیلی حال مردم خوب می شد. واقعا هم استقبال

می شد.

ما اول گفتیم خب مردم ممکن است موبایل در جیبشان باشد و بالاخره خودشان تعاس می گیرند، مشکلی ندارند. ولی تازه آن جا بود که فهمیدیم چه تعدادی از افراد هستند که یا موبایلشان مشکل دارد، یا بلد نیستند شماره‌ی ایران را بگیرند، یا مشکلات مختلفی وجود دارد مثل اینکه شارژ ندارند یا هر چیز دیگری. تعداد زیادی از آدم‌ها صف بیست، سی نفری و پنجاه یا صد نفری می بستند، می خواستند به مادرشان زنگ بزنند.

ما سه، چهار روز آخر منتهی به اربعین بجای یک موبایل در این باجه، هشت موبایل در آن جا بود. بچه‌های مختلف اپراتوری می کردند و هشت نفر، هشت نفر زنگ می زدند! در این روزها استقبال بسیار زیاد شده بود.

این را برای تجربه عرض کردم. شما چه باجه بسازید، چه نسازید، اینکه جایی داشته باشید تا شخص بتواند یک ارتباط رایگانی با خانواده‌اش برقرار بکند، مردم استقبال جدی می کنند. ما چون موبک اختصاصی مادر و کودک داشتیم، می گفتیم اختصاصی به مادرت زنگ بزن!

در حوزه‌ی ماساژ، اگر ماساژور خوب و حرفه‌ای از خانم‌ها وجود دارد؛ حتما همراه خودتان ببرید. آن جا از این ماساژور استقبال جدی می شود. روغن‌های ماساژ هم همراه خودتان ببرید و یک غرفه‌ی محفوظی را تدارک بینید که خانم‌هایی که گرفتگی عضله پیدا

می‌کنند، بتوانند مراجعه بکنند. برای آقایان غرفه‌های مختلف ماساژ ارائه می‌شود، ولی برای خانم‌ها بصورت تخصصی ارائه نمی‌شود. به همین دلیل وقتی ارائه بدهید، استقبال خیلی جدی و خوبی صورت می‌گیرد.

اگر می‌توانید پزشک همراه خود ببرید، حتما در غرفه‌ی اطفالتان پزشک اطفال ببرید. در موکب‌های مختلف پزشک وجود دارد؛ اما پزشک اطفال خیلی کم است. مثلا شخصی بچه‌ی کوچکش سرماخورده است، یا مشکلات خاص معده و روده پیدا کرده است، آن‌جا کمک می‌خواهند تا درمان کودک شکل بگیرد.

در حوزه‌ی تعمیر کالسکه، ما این دو سالی که برقرار کردیم و وسایل هم برده بودیم؛ خیلی بیشتری محدودی داشت. یعنی حتی چرخ‌های یدکی، پیچ، مهره و لوازم یدکی کالسکه را همراه خودمان برده بودیم، اما بیشتری آن واقعا محدود بود. یا به این علت است که کالسکه‌های مردم کیفیت خوبی دارد که مشکلی ایجاد نمی‌کند، یا اگر هم خراب شود رهايش می‌کنند و می‌روند و همراه خودشان حملش نمی‌کنند تا بعد به جایی که تعمیر می‌کنند، برسند.

در حوزه‌ی شیر خشک، اگر می‌خواهید بیاورید، شیر خشک چند برند مخصوص بین‌المللی بیاورید. یعنی از برندهای ایرانی کمتر بیاورید. برندهایی که در دنیا شناخته شده هستند، برای مثال برند «نان» در دنیا تولید می‌شود. برندهای مختلف را در سایزها و شماره‌های

مختلف یک و دو و سه و... را بیاورید و همین جور که گفتم شماره‌ی یک را کمتر بیاورید.

در کل اگر می‌خواهید شیرخشک بیاورید، بیش‌تر از یک کارتن بیاورید. چون شما جعبه یا یک قوطی شیر خشک را که به یک نفر نمی‌توانید بدهید، باید برایش شیر خشک درست کنید. مثلاً زائر آب‌جوش می‌گیرد، یکی، دو پیمانه شیر خشک در آب‌جوش می‌ریزد و استفاده می‌کند. یا مثلاً مقدار بیش‌تری می‌خواهد. کمی در کیسه‌ی فریزر می‌ریزد و همراه خودش می‌برد. و چون یک قوطی به کسی نمی‌دهید، زیاد مصرف نمی‌شود. حداکثر حداکثر یک کارتن شیر خشک لازم می‌شود تا همراه خودتان ببرید.

در حوزه‌ی محصولات فرهنگی، قصه‌اش متفاوت است. اگر واقعا بانی دارید، حتما در حوزه‌ی محصولات فرهنگی کار کنید. چون بچه‌ها خیلی دوست دارند. از پیکسل گرفته تا سربند، فرفره و هر چیزی که آن‌جا بتوانید به دست بچه‌ها بدهید که هم برایشان دست و پاگیر نباشد و هم احساس خوبی داشته باشند.

بچه‌ها هم خیلی سربند دوست دارند، هم خیلی پیکسل و فرفره دوست دارند. این‌ها چیزهایی است که به راحتی می‌توانید به آن‌جا ببرید و استفاده هم بکنید و بچه‌ها هم استقبال بکنند. منظورم این نیست فقط صد عدد پیکسل همراه خودتان ببرید، البته اگر فقط این تعداد را توانستید تهیه کنید، اشکالی ندارد؛ ما جورید. اما برای مثال ما سال قبل ده هزار عدد پیکسل داشتیم. باز هم اگر

بیشتر داشتیم، جا داشت بیشتر توزیع کنیم. فکر می‌کنم چند هزار فرفره، و تقریباً ده هزار سربند توزیع کردیم. حدود پنج هزار پارچه‌های کوله‌ای که یک شعار جمعیتی روی آن نوشته شده بود و مواردی شبیه این را توزیع کردیم.

کار دیگری هم کردیم، این بود که کارت‌های شناسایی را چاپ کردیم و روی این کارت‌های شناسایی جای نام و نام خانوادگی و مشخصات فرد بود و دور کردن آویزان می‌شد. این را بصورت اختصاصی برای بچه‌ها تولید کردیم که پدر و مادرها اسم بچه و اسم خودشان و شماره‌ی تلفن خودشان را گردن بچه ببندازند و اگر بچه آن‌جا گم می‌شد و مشکلی پیش می‌آمد، خیالشان راحت بود که همراه بچه مشخصاتی هست تا مشکل حل شود.

این کلیات اتفاقی بود که شکل گرفت و من سریع خدمت بزرگواران عرض کردم.

دست شما درد نکند جناب آقای استرحام! خیلی عملیاتی و جزء به جزء بود. اگر توصیه‌ای در حوزه‌ی فرهنگی و مراعات‌های فرهنگی دارید، بفرمایید. چون احتمالاً مخاطب موکب‌ها به غیر از ایرانی‌ها هم هستند، درست است؟

بله! بچه‌های عراقی‌ها و افغانستانی مفصل می‌آیند.

اگر ملاحظه‌ی فرهنگی دارد، مراعات‌هایی باید انجام بشود، و شما تجربه‌اش را دارید، بفرمایید.

عرض کردم، بچه‌های عراقی یا ملیت‌های دیگر، خیلی این موکب

مادر و کودک برایشان جذاب است. خیلی زیاد! اگر بگویم باورتان نمی‌شود، حتی صندلی یا میزهای رنگی کوچک که برای کودکان می‌برید، عراقی‌ها می‌خواهند آن‌ها را تبرک ببرند! یعنی صندلی رنگی و این‌ها را تا حالا ندیده‌اند و خیلی عجیب است!

در کل کارهایی که در حوزه‌ی موضوعات مرتبط با کودک باشد، خیلی به چشمشان می‌آید. به همین علت خیلی استقبال می‌کنند و نوع استقبالشان به هر حال مدل فرهنگی‌شان با ما متفاوت است. شیطنت می‌کنند، دوست دارند بازی کنند... فضای فرهنگی‌شان اینطور اقتضا می‌کند، اولین بار سعی کنید خدمات را محدود کنید یا آقایان را بگذارید که برای نوجوان‌ها در یک فضای فوتبال دستی اختصاص دهد و این‌ها وارد غرفه‌ها نشوند.

دست شما درد نکند، سوال کردند که امسال هم موکب دارید یا نه؟

در حال گفتگو هستیم، ان شاء الله اگر بشود همان ستون ۱۰۸۶ برپا کنیم، آن جایی که ما پارسال موکب داشتیم الان دارد ساختمان سازی می‌شود برای همین یک مقدار فضا محدود شده، الان چند تا از دوستان به آن جا رفتند و قرار است که خبر قطعی را به ما بدهند که آیا می‌شود برگزار کرد یا نه، اگر شد ان شاء الله همان ۱۰۸۶ خواهیم بود.

آقای عباسی عرض کنم خدمتتان این تیزری که دیدی برای سال اول است یعنی دو سال پیش است. بچه‌های شبکه افق که می‌خواستند آن جا برنامه ضبط کنند، از بس بچه‌های عراقی شیطانی و اذیت

می‌کردند این‌ها مجبور بودند نصفه شب برنامه‌هایشان را پر کنند، الان فضا را دیدید.

بله آخر شب بود و خلوت.

بالاخره چون من در حوزه‌های جمعیت هم دستی بر آتش دارم، سیاست امسال فارغ از این که موکب و مجتمعی در حوزه مادر و کودک راه بیاندازیم، این است که به موکب‌های مختلفی که در طول مسیر دارند راه اندازی می‌شوند می‌گوییم بیاید و یک بخش کودک کنار کارت راه بیانداز، اگر فقط غذا ارائه می‌دهی بیامون بخش کوچکی راه بیانداز که غذای کودک ارائه دهد، اگر خدمات درمانی می‌دهی یک بخشی را راه بیانداز که خدماتی به مادر و کودک بدهد و بچه‌ها آن جا سرگرم شوند. یک بخش کودک یا بخش مادر و کودک یا بخش خانواده کنار کارت راه بیانداز، این برایمان خیلی مهم است که موکب‌ها طعم این کار را بچشند، اگر همیشه را چشیدند حتماً سال‌های آینده خودشان پیش قدم می‌شوند و کارها و خدمات جدی به حوزه مادر و کودک ارائه می‌دهند.

یعنی همه موکب بخش مادر و کودک را داشته باشند.

+ بله، حالا در حد محدود خودشان یا در خدماتی که می‌دهند، ممکن است یک موکب فقط شربت می‌دهد، یک بخشی بگذارد که هم لیوان‌هایش هم شربت‌هایش اختصاصاً برای کودک بدهد، شربتی بدهد که بچه‌ها دوست داشته باشند. یک بخشی را در حوزه تغذیه و خدمات دهی برای مادر و کودک داشته باشند.

این سیاست ماست و در حال پیگیری هستیم و ان شاء الله بشود این کار را انجام داد، همینطور که خانم زعفرانی هم گفتند حتما پارچه‌هایی که به کوله وصل می‌شود در حال آماده شدن است و شعارهای جمعیتی روی آن است؛ ما نسل حسینیم و زیاد شدن باعث یاری شدن امام زمان (عج) می‌شود و مفاهیم این شکلی. ان شاء الله شکل بگرد و کار خوبی دربیاید.

من می‌توانم جمع بندی کنم؟ همه تلاش‌ها در این مسیر این است که حضور خانوادگی را تسهیل کنید.

احسنت، بله عالی، بهترین جمع بندی یک خطی که می‌شد را شما فرمودید.

بزرگوارید از شما ممنونم، سوال کردند که اگر بخواهند از تجربه شما استفاده کنند یا بیشتر آشنا بشوند چه راه ارتباطی‌ای وجود دارد؟

تلفن من: ۰۹۳۹۸۱۸۳۲، اگر به این شماره در ایتا پیام بدهند دوستان را خدمتگزاری می‌کنم، ممکن است به هر علتی مثل این که کلاس باشم یا جاهای مختلفی باشم نتوانم پاسخگو باشم. اگر فایلی بخواهند یا حتی از فایل‌های چاپی و پیکسل‌هایی که استفاده کردیم بخواهند می‌فرستیم و اگر بانی برای چاپش داشته باشند من تقدیم می‌کنم تا استفاده کنند. هر چند که امسال می‌خواهیم موارد جدید بزیم چون می‌خواهیم حتما تولیداتمان رنگ و بوی غزه و قدس داشته باشد. به شما هم توصیه می‌کنیم حتما این کار را انجام بدهید ان شاء الله.